

جای خالی شایسته‌گزینی!

اقتصاد کشورمان با همه منابع انسانی و طبیعی که در اختیار دارد، همچنان گرفتار بحران‌هایی است که ریشه در انتخاب‌های اشتباه دارد. نه کمبود استعداد، نه فقدان منابع، بلکه عدم شایسته‌گزینی در تصمیم‌گیری‌ها باعث شده است این اقتصاد حتی با بهترین شرایط نتواند به ظرفیت‌های خود دست یابد. شایسته‌گزینی یعنی انتخاب مدیرانی که نه بر اساس رابطه و جناح‌بندی‌های سیاسی، بلکه بر اساس دانش، تجربه و کارنامه قابل اتکا در مسئولیت‌های کلیدی قرار بگیرند. اما چرا این امر ساده و بدیهی در عمل به یک آرزو تبدیل شده است؟ چرا در دولت‌هایی که وعده تحول اقتصادی می‌دهند، باز هم شاهد انتصابات نادرست و تصمیماتی هستیم که به جای حل مشکلات بر مشکلات می‌افزاید؟ به نظر می‌رسد راه‌حل‌های معجزه‌آسا همچنان در تزییق پول و لابی‌گری‌های سیاسی جست‌وجو می‌شود غافل از اینکه شایسته‌گزینی در تمام سطوح مدیریتی تنها راه برون‌رفت از این وضعیت است.

شایسته‌گزینی یعنی سپردن سکان به دست کسانی که نه فقط بر اساس روابط یا ملاحظات سیاسی، بلکه بر پایه دانش و تجربه، مسئولیت‌های کلیدی را بر عهده می‌گیرند. مدیرانی که می‌فهمند اقتصاد چطور کار می‌کند، داده‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و تصمیمات خود را با منطق و برنامه‌ریزی می‌گیرند. این مدیران، منابع محدود کشور را هدر نمی‌دهند، پروژه‌های نیمه‌تمام را به سرانجام می‌رسانند و اعتماد مردم را که سرمایه‌ای گران‌بهارتر از هر بودجه‌ای است، باز می‌گردانند. اما وقتی انتخاب‌ها بر اساس رابطه و ملاحظات جناحی باشد، نتیجه آن تصمیم‌هایی است که نتنها گره‌ی باز نمی‌کند، بلکه گره‌های کور جدیدی می‌زند. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی کشورمان در سال‌های اخیر، همین ناشایسته‌گزینی است.

همه دولت‌ها تا امروز بارها نشان داده‌اند در انتخاب مدیران اقتصادی، ملاحظات سیاسی بر تخصص چربیده است. در این مسیر، چه بسا افرادی که به‌جای شایستگی با لابی‌گری‌های سیاسی بر مسندهای اقتصادی نشستند و تصمیماتی گرفتند که نه تنها بر اساس دانش و تجربه نبود، بلکه در تضاد با نیازهای واقعی کشور بود. به این ترتیب، نه تنها مشکلات اقتصادی حل نشدند، بلکه مشکلات جدیدی نیز افزوده شدند. البته نمی‌توان کتمان کرد که در دوره‌های مختلف، تلاش‌هایی برای اصلاحات اقتصادی صورت گرفته است، اما بسیاری از این اصلاحات یا ناقص بوده یا در میانه راه متوقف شده‌اند. در برخی از این تلاش‌ها دولت‌ها با وعده تحول اقتصادی به میدان آمدند و با انتصابات جدید، امیدهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی برانگیخته شد، اما متأسفانه در برخی حوزه‌های کلیدی، همان مسیرهای آزمون‌شده دوباره تکرار شد و افراد بی‌تجربه‌تری که هیچ تطابقی با شرایط اقتصادی و تحولات نداشتند، در مسندهای حساس قرار گرفتند. در این شرایط به‌جای مواجهه با بحران‌ها و حل آنها با تصمیماتی روبه‌رو می‌شویم که حتی کارشناسان اقتصادی را نیز شگفت‌زده می‌کند اما نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که در اقتصاد، با پول پاشیدن نمی‌توان مشکلات را حل کرد. گاه تصور می‌شود با تزریق نقدینگی می‌توان اقتصاد را به حرکت درآورد و ناکارآمدی‌ها را جبران کرد، اما واقعیت این است که اقتصاد، آن بیماری نیست که با آمپول نقدینگی درمان شود. ریختن پول بدون مدیریت شایسته، همانند ریختن آب در طرخی سوراخ است. این پول‌ها هرگز به نتیجه نمی‌رسند و در نهایت، تنها موجب افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی می‌شوند. پول‌پاشی در واقع تنها یک مسکن موقتی است که هیچ‌گاه قادر به درمان دردهای بنیادین اقتصادی نخواهد بود.

اقتصاد کشورمان همچنان در چاله‌ای عمیق از تصمیمات نادرست و سیاست‌های بی‌اثر گرفتار است، اما کشور ما با منابع عظیم انسانی و طبیعی‌اش ظرفیت‌های بسیاری برای پیشرفت دارد. ایران‌مان در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه از نظر منابع طبیعی، نیروی انسانی تحصیل‌کرده و ظرفیت‌های علمی و فنی در جایگاه بالایی قرار دارد. تنها چیزی که لازم است، مدیریت شایسته و کارآمد است. مدیریتتی که بتواند منابع را بهینه مصرف کند و به پروژه‌های نیمه‌تمام جان دهد و بیش از هر چیز، اعتماد مردم را بازگرداند. این‌طور نیست که شایسته‌گزینی تنها به مدیران ارشد محدود باشد.

این اصل باید در تمام لایه‌های اقتصادی جاری شود. از انتخاب پیمانکاران برای پروژه‌های ملی گرفته تا انتخاب کارشناسان در دستگاه‌های دولتی، همه باید بر اساس صلاحیت و شایستگی انجام شود. وقتی یک پیمانکار بدون صلاحیت فقط به دلیل روابط نزدیکی که دارد، پروژه‌ای کلان می‌گیرد یا زمانی که کارمندی متخصص به دلیل عدم شایسته‌سالاری در نظام اداری کشور در حاشیه می‌ماند، آنگاه استعدادها و منابع کشور تباه می‌شود. اینها حلقه‌های زنجیری هستند که یا با شایسته‌گزینی به هم وصل یا با ناشایسته‌گزینی پاره می‌شوند.

برای تحقق شایسته‌گزینی چند گام اساسی ضروری است: اولین گام، شفافیت است. معیارهای انتخاب مدیران باید علنی باشد و فرایند انتصاب زیر نظارت رسانه‌ها و نهادهای مستقل قرار گیرد. اگر بخواهیم بر اساس شایستگی پیش برویم، باید اطمینان حاصل کنیم که فرایند انتخاب، شفاف و عاری از هر گونه فساد است. دومی، شناسایی استعدادهاست. ایران‌مان مشحون از نخبگان و افراد متخصص است و در صورتی که به درستی شناسایی و به کار گرفته شوند، می‌توانند تغییرات بنیادینی در عرصه اقتصادی کشور ایجاد کنند. ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع برای شناسایی این استعدادها، اولین قدم در راستای شایسته‌گزینی است. سوم، آموزش مداوم است. حتی بهترین مدیران هم نیاز به به‌روزرسانی دانش خود دارند. در دنیای پیچیده اقتصادی امروز، مدیران باید با تحولات جهانی همگام باشند. چهارم، پاسخگویی است. مدیر شایسته باید در برابر عملکرد خود پاسخگو باشد و نتایج تصمیماتش را مورد ارزیابی قرار دهد. هیچ‌کس نباید پس از ناکامی به راحتی پست دیگری پیدا کند.

شایسته‌گزینی فقط به انتصاب مدیران در سطوح ارشد محدود نمی‌شود. زمانی که افراد به دلیل روابط شخصی یا سیاسی به مسندهای مدیریتی می‌رسند و نه به دلیل شایستگی، یک خطای بزرگ در انتخاب صورت گرفته است. اگر اقتصاد کشور بخواهد رشد و به سمت پیشرفت حرکت کند، باید به شایسته‌گزینی در تمام سطوح توجه شود.

شایسته‌گزینی، نه یک شعار، بلکه یک ضرورت است. اقتصادمان با تمام چالش‌هایی که دارد، هنوز ظرفیت آن را دارد که به یکی از اقتصادهای پیشرفته تبدیل شود، اما این ظرفیت بدون مدیریت شایسته، همچنان در مرحله بذری باقی می‌ماند که در خاک خشک کاشته شده است و هیچ‌گاه جوانه نمی‌زند. تنها زمانی که شایسته‌گزینی در تمام ارکان اقتصادی کشور جاری شود، اقتصاد از وضعیت پنهانی خراج خواهد شد. در نهایت، وقت آن رسیده است که مدیران کارآمد و شایسته را در رأس امور قرار دهیم. این تنها راهی است که می‌تواند به بهبود واقعی اقتصاد کشورمان منجر شود.

صنایع برق‌خواری که مکلف بودند تا پایان امسال ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه احداث کنند، تاکنون فقط ۲ هزار مگاوات برق وارد مدار کرده‌اند. کوتاهی این صنایع انرژی‌بر که فولادی‌ها سرمدارشان هستند علاوه بر وارد کردن ضرر به یه تولید و صادرات کشور باعث افت برق‌رسانی به مصارف خانگی نیز شده است که نباید به سادگی از کنار این زیان گذشت. این صنایع با بدهی ۳۰ همتی به صنعت برق، اکنون به جای عمل به تعهداتشان با نامه‌نگاری به رئیس‌جمهور و اعتراض به سهمیه‌بندی شدن برق تلاش می‌کنند خود را به کرسی بنشانند.

این در حالی است که اگر قانون اجرا می‌شد برق اینها باید قطع می‌شد، نه سهمیه‌بندی. البته وزیر نیرو و روز گذشته در اظهاراتسی آب‌پاکی را روی دستشان ریخت و گفت: اگر به جای توزیع برق یارانه‌ای به صنایع، صادرات مستقیم برق داشتیم عایدی بیشتری نصیب کشور می‌شد.

در حالی که ناترازی شبکه برق کشور وارد مرحله‌ای بحرانی شده و دولت تلاش دارد با استفاده از ظرفیت استان‌ها مدیریت مصرف را بهینه کند، اعتراض‌ها به محدودیت‌های جدید اعمال شده بر صنایع بزرگ، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. این اعتراضات و تهدید به تعطیلی در حالی مطرح شده که صنعت برق دلیل اصلی محدودیت انرژی صنایع فولادی را بدهد؛ این صنعت در انجام تعهدات خود برای تولید برق می‌داند. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که صنایع انرژی‌بر که فولادی‌ها در صدر جدول آن قرار

گرفته‌اند به صنعت برق حدود ۳۰ همت بدهی دارند و در صورتی که مقررات به درستی اجرا شود باید برق آنها قطع شود. این صنایع، برق را با قیمت حدود هزار و ۸۰۰ تومان دریافت می‌کنند، در حالی که قیمت تمام‌شده برق بیش از ۴ هزار تومان است. این صنایع که از برق یارانه‌ای استفاده می‌کنند محصولات خود را صادر کرده و سودهای کلانی به دست می‌آورند. با این حال، حاضر نیستند بخشی از سود حاصله خود را در تأمین انرژی مصرفی هزینه کنند که نتیجه این اتفاق، ناترازی انرژی و محدودیت تأمین برق برای کارخانجات است.

طبق اعلام مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مسئولیت بخشی از محدودیت‌ها متوجه خود صنایع است. اخیراً ردشیر مذکوری در واکنش به اعتراض صنایع بزرگ اظهار داشت: بر اساس ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق، صنایع بزرگ

صندوق توسعه ملی کشورمان، نهادهای که در سال ۱۳۸۹ با هدف تبدیل درآمدهای نفتی به ثروت مولد و پایدار تأسیس شد، امروز در معرض انتقادات جدی قرار دارد.

این صندوق که قرار بود به عنوان بازوی مالی توسعه کشور عمل و از منابع طبیعی غنی برای نسل‌های آینده ثروت آفرینی کند، به دلیل ناکارآمدی‌های ساختاری و مدیریتی نتوانسته است جایگاه شایسته‌ای در میان صندوق‌های ثروت ملی جهان کسب کند. اظهارات حمید پورمحمدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در پنجمین همایش صندوق توسعه ملی با عنوان «حکمرانی توسعه: صندوق توسعه ملی و رفع ناترازی‌ها» که روز دوشنبه ۱۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ در مرکز همایش‌های سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد، گواهی بر این مدعاست. این دو مقام ارشد اقتصادی با صراحت به کاستی‌های موجود در فلسفه وجودی و سازوکارهای اجرایی صندوق اشاره کردند و خواستار تغییرات اساسی در آن شدند.

کشورمان از نظر منابع طبیعی و معدنی جزو کشورهای برتر جهان است، اما این ظرفیت عظیم نتوانسته است به توسعه پایدار و ثروت آفرینی منجر شود. حمید پورمحمدی در همایش مذکور با تأکید بر این موضوع گفت: «کشور ما از لحاظ منابع طبیعی، کشوری غنی است و صندوق‌های ثروت با توسعه ملی نیز در کشورها عموماً بر پایه منابع طبیعی کشورها شکل می‌گیرند که آن منابع را تبدیل به ثروت‌زایی کنند.» وی در ادامه با اشاره به جایگاه جهانی ایران در منابع طبیعی افزود: «در چنین حالتی، صندوق توسعه ملی ایران نیز باید جزو قوی‌ترین صندوق‌های ثروت در دنیا باشد، در حالی که اینگونه نیست.» این اظهارات صریح نشان‌دهنده شکاف عمیق میان ظرفیت‌های بالقوه کشور و عملکرد واقعی صندوق توسعه ملی است. صندوق‌هایی مانند صندوق ثروت نوژ با صندوق‌های مشابه در کشورهای حاشیه خلیج فارس یا مدیریت بهینه منابع طبیعی



کزارش یک بیناز قاسمی

از سال ۹۷ سرمایه‌گذاری در حوزه برق کند یا متوقف شده است

برق‌خواری فولادی‌ها تمامی ندارد!

گرفته است. سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت با انتقاد از تصمیم اخیر وزارت نیرو مبنی بر قطع کامل برق برخی صنایع در بهازه ۱۵ روزه اعلام کرده بود: این تصمیم بدون حضور نماینده وزارت صمت اتخاذ شده و مغایر با تفاهمنامه مشترک من با وزیر نیرو است. تأسفیر اینکه بخش صنعت بار دیگر اولویت نخست محدودیت‌ها شده است. در شرایطی شاهد این اتفاقات هستیم که پرداخت‌بموقع بدهی کارخانه‌داران به صنعت برق می‌توانست به توسعه تولید برق در کشور کمک کند و در عین حال اگر این صنایع به تعهدات خود برای تولید برق عمل می‌کردند،

به‌عنوان مثال، صنایع در نیمه‌شب می‌توانند با حداکثر ظرفیت فعالیت کنند و در ساعات اوج بار مصرفشان کاهش می‌یابد. بیش از ۷۰ درصد برق مورد نیاز صنایع تأمین شده و این روند ادامه دارد. همچنین صنایعی که از برق سبز، برق آزاد یا نیروگاه خودتأمین استفاده می‌کنند، از محدودیت‌ها معاف هستند. این روند در حالی اتفاق افتاده که وزیر صمت به جای ترغیب کارخانه‌ها به انجام تعهد خود برای تولید برق، اعتراض شدیدی نسبت به قطع برق کارخانه‌ها داشته است. به‌طوری‌که گویا با عضو ای دولت نیست و حالا مقابل وزیر نیرو که او نیز عضوی از دولت است، قرار

گرفته است. سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت با انتقاد از تصمیم اخیر وزارت نیرو مبنی بر قطع کامل برق برخی صنایع در بهازه ۱۵ روزه اعلام کرده بود: این تصمیم بدون حضور نماینده وزارت صمت اتخاذ شده و مغایر با تفاهمنامه مشترک من با وزیر نیرو است. تأسفیر اینکه بخش صنعت بار دیگر اولویت نخست محدودیت‌ها شده است. در شرایطی شاهد این اتفاقات هستیم که پرداخت‌بموقع بدهی کارخانه‌داران به صنعت برق می‌توانست به توسعه تولید برق در کشور کمک کند و در عین حال اگر این صنایع به تعهدات خود برای تولید برق عمل می‌کردند،

این مشکل به طور همزمان گریبانگیر نهادهای تأمین مالی نیست. بنابراین از این منظر فلسفه اولیه شکل‌گیری صندوق توسعه ملی تغییر کرده است و ما نیز باید متناسب با تحولات تغییرات لازم را ایجاد کنیم.» فرزین با اشاره به این نکته که صندوق توسعه ملی ابتدا برای جلوگیری از عوارض اقتصاد نفتی مانند بیماری هلندی (افزایش ارزش پول ملی و تضعیف بخش‌های غیرنفتی) طراحی شده بود، تأکید کرد: «امروز چالش اصلی کشور، کمبود منابع مالی برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای است. این تغییر در شرایط اقتصادی، ضرورت بازنگری در مأموریت‌ها و سازوکارهای صندوق را بیش از پیش آشکار می‌کند، در حالی که صندوق باید به‌عنوان یک نهاد مالی مستقل عمل کند، در عمل به عنوان برای جبران کسری بودجه دولت تبدیل شده است. این انحراف از اهداف اولیه، نه‌تنها کارایی صندوق را کاهش داده، بلکه آن را به ابزاری برای رفع نیازهای کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران – طرح منطقه ویژه اقتصادی کاشان

منطقه ویژه اقتصادی کاشان

مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران – طرح منطقه ویژه اقتصادی کاشان

صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

نام کارفرما: سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران – طرح منطقه ویژه اقتصادی کاشان.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه کارفرمای:

آدرس: تهران – بالاتر از میدان ولیعصر – روبروی سینما استقلال – ساختمان ملی فولاد ایران – پلاک ۱۷۱۳ – برج شمالی طبقه دوم.

کدپستی: ۱۵۹۴۸۱۵۳۳۲ – تلفنکس: ۰۲۱ – ۸۸۹۰۹۱۰۲ – تلفن کارشناس مربوطه: ۰۲۱ – ۸۸۸۰۷۴۱۹

موضوع مناقصه: احداث بلوار ورودی و تقاطع غیر همسطح با جاده قدیم کاشان – قم در منطقه ویژه اقتصادی کاشان.

گواهینامه صلاحیت پیمانکاری با تخصص راه و ترابری و رتبه حداقل ۲ و گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی ویا مجوز موقت صادره از وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی.

رشته یا زمینه تخصصی پیمانکار: راه، راه آهن و باند فرودگاه.

نحوه برگزاری مناقصه: مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای.

تاریخ، مهلت و نشانی دریافت و تحویل اسناد:

مهلت دریافت اسناد فراخوان /استعلام: روز سه شنبه ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ تا ساعت ۱۴:۰۰

مهلت ارسال پاسخ فراخوان /استعلام: روز سه شنبه ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ تا ساعت ۱۴:۰۰

تاریخ بازدید از سایت: روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۶ تا ساعت ۱۴:۰۰

زمان بازگشایی: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ ساعت ۸:۰۰

نشانی دریافت و ارسال اسناد: کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به انجام خواهد شد.

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

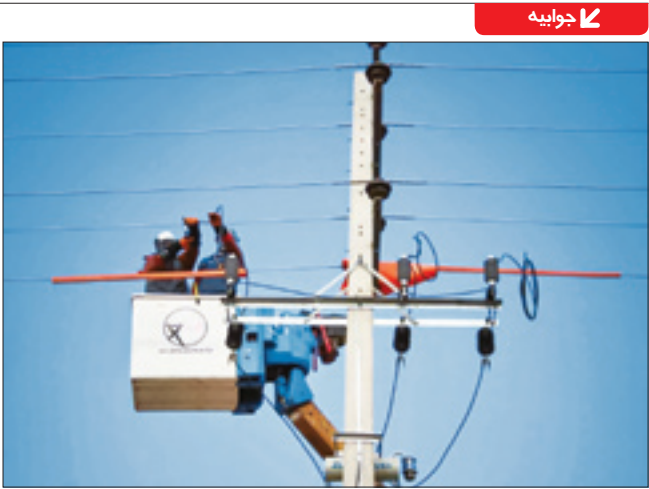
کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»

کوتاهمدت دولت بدل کرده است.»



واکنش توانیر به یادداشت «جوان»

پیروانتشار مطلبی با عنوان «لکنت زبان نیرو» که در بخشی از آن گفته بودیم «خاموشی در اردیبهشت‌ماه، زنگ خطری جدی برای همه‌ماست. کشوری که در ماه‌های خنک‌تر نتواند نیاز اولیه برق را تأمین کند، چگونگی می‌تواند در اوج گرمای تابستان یا سرمای شدید زمستان پاسخگوی مردم باشد؟» شرکت توانیر حسب ماده ۳۳ فصل ششم قانون مطبوعات و به منظور آگاهی خوانندگان و تنویر افکار عمومی پاسخی با عنوان «اجرای ۱۴ مگاپروژه و ۲۶ بسته مدیریت مصرف برای کاهش تبعات ناشی از ناترازی برق» ارسال و تأکید کرده است؛ با توجه به کاهش نزولات جوی و خشکسالی‌های مداوم و از دست دادن بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید نیروگاه‌های برقی، گرمای زودرس، رشد افزایش تقاضای مصرف، هدررفت انرژی در صنایع، قیمت‌گذاری غیرواقعی و عدم رعایت بهینه مصرف، افزایش زیان انباشته، شرکت توانیر و شرکت‌های تابعه و توزیع نیروی برق و عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های تولید برق به‌ویژه نیروگاه‌های تجدیدپذیر شاهد شکاف بین تولید و میزان تقاضای مصرف برق هستیم. از این رو با توجه به تجارب خاموشی‌های سال‌های گذشته، مصوبات شورای عالی امنیت ملی و هیئت محترم دولت، تعداد ۱۴ مگاپروژه و ۲۶ بسته مدیریت مصرف در جهت کاهش ناترازی اوج بار سال جاری برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی شده تا با استفاده از حداکثر ظرفیت‌های موجود در صنعت برق تبعات ناشی از ناترازی برق به حداقل ممکن برسد. بر همین اساس با بسیج پرسنل و امکانات نسبت به اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده و مدیریت بار شبکه اقدامات لازم در حال اجرا بوده به گویای که ضمن پایداری شبکه سراسری، برق پایدار مشترک‌ترین تأمین شود.